

## نامه به اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تبریز

”ای آزادی، که در چنگ استبداد به اسارت افتادی، کاش می‌توانستم قفست را بشکنم و تو را در فضای پاک بی دیوار پرواز دهم اما مرا نیز به بند کشیده‌اند نمی‌دانی چه کرده‌اند... نمی‌دانی چه می‌کنند.“

(دکتر شریعتی)<sup>۱</sup>

### اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تبریز

پس از سلام،

اطلاعیه اخیر در مورد مراسم بزرگداشت معلم دلسوز شریعتی، بهانه‌ای برای اظهار درددلی کوتاه شد، ظاهراً تأثیر سفارشهای پیگیر شریعتی بر تحمل عقیده مخالف و آزادی افکار آنقدر هست که دانشجویان کلام یکدیگر را تحمل کرده و با سعه صدر به ارزیابی بنشینند.

سخن از وقایع روز ۲۶ خرداد ماه سال جاری است که برای بزرگداشت خاطره مرحوم دکتر شریعتی عده‌ای از دانشجویان مسلمان آن دانشگاه از استاد دکتر توسلی که سابقه همکاری نزدیک با مرحوم شریعتی دارد، دعوت به عمل می‌آورند تا پیرامون نقش و افکار آن مرحوم سخنرانی کند. در آن روز از طرفی عده‌ای دیگر که خود را اعضای انجمن اسلامی معرفی می‌کنند، با ایجاد اخلال و علی‌رغم اعتراض صدها نفر دانشجوی دیگر که برای استماع سخنرانی مذکور در محل استادیوم روباز حضور یافته بودند، از اجرای برنامه بزرگداشت دکتر شریعتی جلوگیری می‌شود و یکی از دانشجویان دعوت‌کننده دستگیر می‌گردد. در اطلاعیه‌ای که به این مناسبت قبل از آن روز از طرف انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تبریز منتشر می‌شود، ضمن تجلیل و گرامیداشت دکتر شریعتی، گناه نا بخشودنی! برگزاری این جلسه را به گردن نهضت آزادی گذارده اظهار می‌دارند:

”... از حزب‌اللهیان دانشگاه اعم از اساتید و دانشجویان انتظار می‌رود که در عین تجلیل و بزرگداشت از مقام شامخ این دلسوخته اسلام از طریق مقالات و برگزاری سمینارها... فرصت هرگونه فرصت‌طلبی را از مغرضان و گروه‌های ضد انقلاب بخصوص لیبرالها که مصداق عینی آنها نهضت به اصطلاح آزادی است سلب نمود...“

در مورد اتهام اخیر جای بحثی نیست، چرا که شما خود بهتر از هرکس می‌دانید که واژه ”فرصت‌طلبی“ به کسی اطلاق می‌شود که هم رنگ جماعت شده در مسیر جریان متلاطم از فرصت‌ها سود جست، از آب گل‌آلود ماهی بگیرد، برای نهضت آزادی بسیار آسان‌تر بود اگر به جای ادای فریضه امر به معروف و نهی

۱. خجسته آزادی صفحه ۱۲۶.

از منکر در این ورطه "سکوت و یأس" با تمام محدودیت‌های مادی، تحمل ارباب و تهدید و آزار روحی و جسمی، در مسیر رود شنا می‌کرد و همگام با بقیه شعار عافیت سر می‌داد و یا حداقل به خیل نظاره‌گران خموش و بی‌تفاوت مبهوت می‌پیوست. واضح است که واژه "فرصت‌طلب" را در جای ناصحیح به کار گرفته‌اید. اما هزار نکته باریکتر ز مو در تاریخ دانشگاه و انجمن‌های اسلامی مستتر است. به نظر می‌رسد که اعضای آن انجمن اسلامی به کلی با گذشته قطع رابطه کرده و یا آن را به وادی فراموشی سپرده‌اند بی‌تردید درخت جامعه و سازمان‌های اجتماعی مانند انجمن‌های اسلامی ریشه در تاریخ و شاخه در آینده دارند، چگونه می‌توانیم بدون شناخت ریشه‌ها، و باغبانان این نهال، شاخه‌ها را به مسیر تعالی هدایت کنیم؟ از سال ۱۳۱۷ که اولین بذر دانشگاه در خاک این سرزمین کاشته شد، حرکت‌های مارکسیستی و تجدیدطلبی غربی سربرآوردند و به موازات آن جریان‌های اسلامی و ملی در دانشگاه شکل گرفت و رفته رفته دریائی از گرایش‌های گوناگون اعم از توده‌ایها و بهائیت، خلاء انجمن‌های اسلامی را در صحنه دانشگاه برای جوانان مسلمان آشکار ساخت. "۱۳۲۱" سال تولد اولین انجمن اسلامی دانشجویان در دانشکده پزشکی تهران بود، در همین زمان و حتی پس از کودتای ۲۸ مرداد و تشکیل نهضت مقاومت ملی، نقش علما و استادانی چون، مرحوم آیت‌الله طالقانی، مهندس بازرگان و دکتر سبحانی در شکل‌گیری و هدایت انجمن‌های اسلامی دانشجویان به اقرار دوست و دشمن انکارناپذیر است. به طوری که انجمن‌های اسلامی یکی پس از دیگری تولد یافتند، انجمن اسلامی مهندسين در سال ۳۶، جامعه اسلامی معلمین در سال ۳۸، انجمن اسلامی پزشکان و متعاقب آن در همه دانشگاه‌ها چنین رشدی رو به افزایش گذاشت، در آن زمان برجسته‌ترین اعضای مؤسس انجمن‌های اسلامی مهندسين و معلمین را افرادی چون مرحوم آیت‌الله طالقانی - مهندس بازرگان - دکتر سبحانی و شهید مطهری و دکتر توسلی تشکیل می‌دادند.

با تأسیس نهضت آزادی در اردیبهشت سال ۴۰ که مؤسسین آن عموماً همان تأسیس‌کنندگان و اعضای فعال در انجمن‌های اسلامی بودند، حرکت‌های دانشجویی وارد مرحله تازه‌ای شد. در این زمینه و بخصوص حرکت‌های اسلامی خارج کشور، مطالب بسیار می‌توان گفت که در این مقال نمی‌گنجد و مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شود.<sup>۱</sup> سخن در مورد شریعتی است، همکاری شریعتی با انجمن‌های اسلامی و جهت و محتوی دادن به حرکت اسلامی دانشجویان و بالاخره پایه‌گذاری نهضت آزادی ایران در خارج از کشور و سرانجام حرکت فرهنگی گسترده وی که عامل مهمی در زمینه‌سازی انقلاب اسلامی بود بر همگان روشن است. مایه شگفتی است که دکتر شریعتی که چنین رابطه نزدیکی با نهضت و مخصوصاً مهندس بازرگان دارد و کتب اعتقادی او را زیربنای فکری جوانان می‌داند و تحقیق راجع به "سیر تحول قرآن" را در حد نظریه نیوتون و گالیله قلمداد می‌کند<sup>۲</sup> و تا آخرین روزها خود را شاگرد و پیرو او می‌داند، به نظر شما از نهضت بیگانه بود و در تقسیم‌بندی ذهنی شما امروز نهضت آزادی با سوءاستفاده از نام شریعتی سعی در انحراف افکار دارد. در مورد حادثه اخیر لازم می‌دانیم چند کلمه‌ای راجع به دوست و همفکر مرحوم شریعتی بنویسیم، دکتر توسلی که خود از اولین بنیانگذاران انجمن اسلامی معلمین است در مشهد همراه مرحوم شریعتی به

1. برای اطلاعات بیشتر به نشریه "تحلیل پیرامون - دانشگاه قبل و بعد از انقلاب" "پیک نهضت شماره ۳۴" از انتشارات نهضت آزادی ایران مراجعه شود.

2. نامه دکتر شریعتی به مهندس عبدالعلی بازرگان درباره کتاب سیر تحول قرآن - سال ۱۳۵۷.

فعالیت می‌پردازد، با فاصله ۲ سال هر دو نفر به عنوان شاگردان ممتاز توسط دانشگاه جهت ادامه تحصیل به خارج اعزام می‌شوند، در خارج، در یک دانشگاه و یک رشته، درس می‌خوانند و حتی در یک اتاق زندگی می‌کنند. با کمک هم روزنامه منتشر می‌سازند. پس از مراجعت به ایران نیز همکاری نزدیک داشته‌اند و دکتر شریعتی در کتب و سخنرانی‌هایش از او تجلیل کرده است. آیا یک هم کلاسی، هم فکر و همراه قدیمی نمی‌تواند بیانگر نظریات شریعتی باشد؟ جلوگیری از سخنرانی او که به دعوت عده‌ای از دانشجویان مسلمان همان دانشگاه برای بزرگداشت دکتر شریعتی در سالروز درگذشت او صورت گرفته است چه مفهومی جز تنگ‌نظری و بی‌انصافی دارد؟ آن روز شریعتی داد از آزادی افکار و تحمل عقیده مخالف و رخنه "عقده" در عقیده داشت، سخنی که از دل برمی‌خواست به امید آنکه بر دل نشیند. اما امروز، شما که خود به تجلیل از وی اطلاعیه می‌نگارید قدرت تحمل نیم ساعت صحبت دوست و هم فکرش را نداشتید و با هو و جنجال و مزاحمت که دور از مرام دانشجویی و فرهنگ دانشگاهی است مانع صحبت وی شدید و بدینوسیله مهمان‌نوازی کردید! برآستی اگر خود آن مرحوم امروز حاضر بود آیا در جمع شما آزادی سخن گفتن داشت؟

چو پرده‌دار به شمشیر می‌زند همه را  
کسی مقیم حریم حرم نخواهد ماند!

گذشته از اینها باید پرسید شما که با این اعمال و نظائر آن نشان می‌دهید که دارای وجه مشترکی با تفکر آزادمشنانه شریعتی نیستید، چرا خود را در عذاب افکنده، رنج تجلیل و بزرگداشت او را بر خود هموار می‌سازید. مطمئناً این یک بام و دو هوا که نوعی دوگانگی است بر کسی پوشیده نخواهد ماند. چندی قبل دوستان شما در انجمن اسلامی دانشکده ادبیات طی اطلاعیه‌ای تحت عنوان مسئول کیست و مسئولیت چیست؟ خطاب به رئیس دانشگاه می‌نویسند:

"سایه شوم سکوت و ندانم‌کاری بر دانشگاه سایه افکنده اگر قبول ندارید بنگرید."

به آنها می‌گوئیم: یکی از علل آن را در حادثه مربوط به بزرگداشت دکتر شریعتی جستجو کنند تا هنگامی که تعصب بی‌مورد و تنگ‌نظر و انحصارطلبی هست سکوت شوم سایه‌گستر است و این درسی است که از تاریخ آموخته‌ایم.

پیشرفت‌های قرنهای چهارم و پنجم هجری که از درختان قوی ادوار تاریخ پس از اسلام است، به گواه تاریخ مرهون آزادی اجتماعی، حیات بحث و مناظره و حریت افکار است. مسلماً ممانعت از آزادی بیان و سخنرانی یک استاد مسلمان در مهد آزادی فکر و عقیده و سکوت در برابر دستگیری ناحق و غیرقانونی یکی از دانشجویان مسلمان و معتقد به آزادی و ارزش‌های والای اسلامی نه تنها با نظرات دکتر شریعتی، بلکه اساساً با موازین و ضوابط و تربیت اسلامی مغایرت دارد. علاوه بر آن در شرایط اجتماعی ویژه‌ای که آیت الله منتظری به صراحت اظهار می‌دارند:

"نباید تنگ نظری کرد و دست به کارهای ناشایسته و خلاف مصلحت انقلاب و کشور زد... اگر فرضاً جناحی فکر من و شما را هم قبول ندارد ولی به اسلام و انقلاب اعتقاد دارد بگذارید حرفش را بگوید و در روزنامه‌ها بنویسید مزاحمت برایشان درست نکنید... این که عده‌ای بریزند و افراد را بزنند کار درستی نیست و ممکن است به هرج و مرج کشیده شود" (جمهوری اسلامی ۶۵/۳/۲۶)

این اعمال آن هم در صحن مقدس دانشگاه چگونه قابل توجیه و یا تفسیر می‌باشد.

دوستان، "انحصار" و "آزادی" اگر در هر مکتبی به ظاهر قابل جمع باشد، در اسلام نیست! با یک دست نمی‌توانید این هردو را بلند کنید. شاید اگر اوراق و دفتر از وقایع و داوری‌های گذشته بشوئید، توکل به خدا کنید و تحمل افکار مخالف بنمائید، در پرتو این مباحث، جویبار مهر و رفاقت این تشنت و تفرق را التیام بخشد.

دانشجویان نهضت آزادی ایران

۵ تیر ماه ۱۳۶۵